فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) ـ سال سیزدهم ـ شماره اول ـ بهار ۱۳۹۲ ـ صفحات ۱۳۲-۱۱۱

کفایت (خطّ فقر شریعت)، مقیاسی قوی در دست حاکم برای جلوگیری از کار کودکان

مجتبی باقری تودشکی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۵ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۰/۱۲/۷

چکیده

کار اجباری برای کودکان و به کار گیری آنها در زمانی که جسم آنها باید رشد کند و یا در جهت تحصیل به کسب مهارت‌هایی برای آینده مشغول باشد، آسیب‌های جدّی به آنها وارد می کند که پیامدهای آن تا پایان عمر گریبان آنها را می گیرد. یکی از علّتهای مهمّ کار کودک، فقر خانواده اوست که اگر فقر خانواده برطرف شود، کار کودک نیز کنار گذاشته می‌شود.

در عمل، کشورهایی که رفع فقر را وظیفه خود می دانند، برای تعیین فقر و رفع آن، خطّ فقری در جامعه تعیین کرده که زندگی کودک و خانواده او را با آن می‌سنجند که اگر این خطّ فقر بالاتر گرفته شود، بر اساس یک رابطه علت و معلولی، کار کودکان کمتر و اگر پایین تر گرفته شود، کار آنها بیشتر می‌گردد..

راه‌های مختلفی برای تعیین خط فقر در این کشورها دنبال می‌شود و نظر واحدی نیز پیرامون ماهیت و اندازه آن در میان دانشمندان وجود ندارد و طبیعتاً در عمل برخی آن را بالاتر و برخی نیز آن را پایین‌تر لحاظ می‌کنند و بنابراین، از این جهت نیز هزینه پرداختی از جانب دولتها به خانوادهای کم درآمد، کار کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فقیهان اسلامی نیز برای رفع فقر از طریق زکات،خط فقری در نظر گرفته و آنرا مبنای فقر قرار می دهند ولی بین آنها نیز نظر واحدی در مورد آن وجود ندارد و بنابر این، برخی آن را بالاتر و برخی آن را پایین‌تر لحاظ می کنند و بنابراین کار کودکان در کشورهای اسلامی که نظر فقها مبنای عمل است نیز، از این جهت تحت تأثیر قرار می گیرد.

این مقاله در صدد است که از جهت تئوریک به بررسی تطبیقی نظر فقهای اسلام در مورد خطّ فقر و تأثیری که هر کدام از آنها در امحاء کار کودکان دارند، بپردازد و همچنین بر این مطلب تأکید دارد که تعیین مرز فقر به عنوان حدّ کفایت از جانب حاکمان اسلامی به دلیل توجه به شئونات، بیشترین تأثیر را نسبت به خطوط فقر دیگر، در جلوگیری از کار کودکان داراست و برای اثبات این موضوع، ابتدا به برخی مسائل مقدماتی می‌پردازد؛ و در این رابطه، ابتدا آسیب پذیری کودکان از ناحیه کار که فقر یکی از علل مهم آن است، اندازه تعیین خط فقر از ناحیه حاکمان در رفع آن اثرگذار است را مطرح می کند و در ادامه، به تبیین انواع خطوط فقر از نگاه شریعت، رابطه آنها با یکدیگر و با خطوط فقر متعارف دیگر می پردازد و در نهایت، اثبات این مطلب را دنبال می کند که نظر کفایت به عنوان حدّ فقر شریعت، در مقابل نظرات دیگر تأثیر بیشتری بر کاهش کار کودکان خواهد داشت.

طبقه بندی JEL : J08، H51، H52، H53، I32، I38، O15

واژگان کلیدی : فقر، خط فقر، کار کودک، توسعه انسانی

---

۱. عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

۱- مقدّمه

خوشبختانه بسیاری از ارزش‌های اسلامی که یک انسان مسلمان باید به آن پایبند باشد و همچنین در جهت عملی شدن آن تلاش نماید، در پیمان نامه‌های سازمان ملل به عنوان یک وظیفه برای کشورهای عضو آمده و این در حالی است که وظیفه علمای اسلام، آشنا کردن مردم با همین ارزش‌ها و تحریض و تشویق مردم و کشورها به سمت آنهاست و بنابراین، استفاده از ظرفیت‌های سازمان ملل فرصتی برای علما و همه انسان‌های با ایمان و متعهد است تا از این طریق، هم به وظیفه‌ی خود که تبلیغ رسالت‌های الهی در این موارد است، عمل نموده و هم، به اجرایی شدن این مقاوله نامه‌ها و یا پیمان نامه‌ها که یک وظیفه شرعی نیز نسبت به یک مسلمان و یا حاکم مسلمان می‌باشد، کمک نماید.

کار اجباری برای کودکان و به کار گیری آنها در زمانی که جسم آنها باید رشد کند و یا در جهت تحصیل به کسب مهارتهایی برای آینده مشغول باشد، آسیبهای جدّی به آنها وارد می کند که پیامدهای آن تا پایان عمر گریبان آنها را می گیرد. یکی از علّتهای مهمّ کار کودکان فقر خانواده آنها است که اگر فقر آنها برطرف شود، کار کودکان نیز کنار گذاشته می‌شود و لکن همه کشورها در عمل برای تعیین فقر در جامعه، خطّ فقری تعیین کرده که زندگی کودک و خانواده او را با آن می‌سنجند که اگر این خطّ فقر بالاتر گرفته شود، بر اساس یک رابطه علت و معلولی، کار کودکان کمتر و اگر پایین تر گرفته شود، کار آنها بیشتر می‌گردد.

با توجّه به اینکه فرق اسلامی در مورد خطّ فقر نظر واحدی نداشته و برخی آن را بالاتر و برخی آن را پایین‌تر لحاظ می‌کنند، پایین‌تر و بالاتر گرفتن آن بر مبنای اقوال متفاوت، کار کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد. این مقاله به بررسی تطبیقی نظر فقهای اسلام در مورد خطّ فقر و تأثیری که هر کدام از خطوط فقر بر کار کودکان داشته، می پردازد و بر این مطلب تأکید دارد که تعیین مرز فقر به عنوان حدّ کفایت از جانب حاکمان اسلامی، بیشترین تأثیر را در جلوگیری از کار کودکان دارا می‌باشد.

مقاله برای رسیدن به این هدف، ابتدا به برخی مسائل مقدماتی می‌پردازد؛ اینکه اوّلاً، فقر یکی از علل مهم کار کودکان می‌باشد، ثانیاً، تعریف فقر و خط فقر در نظر علما را شرح می‌دهد و به مقایسه خصوصیات آنها در این زمینه می‌پردازد و سپس تعیین می‌کند که چگونه نظر کفایت به عنوان حدّ فقر در مقابل نظرات دیگر تأثیر بیشتری بر کاهش کار کودکان دارد.

۲- برخی مباحث مقدماتی

قبل از اینکه با ادله ای شرح داده شود که چگونه کفایت، عاملی قوی برای جلوگیری از کار کودک

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

است، به بیان مقدماتی پرداخته می شود:

۱-۲- کار کودک و آثار منفی آن

با توجه به اینکه ارتکاز همه عقلای عالم بر این قرار گرفته است که هر کودکی حق دارد که زندگی سالمی برای آینده خود داشته باشد و سلامت زندگی آینده او نیز مترتب بر تهیه برخی شرایط خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و این مهم نیز معمولاً از عهده خود آنها خارج است، بنابراین وضع برخی قوانین مناسب که از به خطر افتادن سلامتی کودکان در آینده جلوگیری می‌کند، ضروری است.

سازمان ملل متحد نیز که بر حقوق بشر تأکید دارد، پیمان نامه هایی را نسبت به کشورهای عضو به تصویب رسانده که در ارتباط با حقوق کودک است که از جمله آنها، تصویب حقوقی در ارتباط با کار کودک می باشد. در این پیمان نامه ها آمده است که کار استثمارگرایانه و طاقت فرسا برای کودکان، در زمانی که جسم آنها باید رشد یابد و به تحصیل مهارت‌ها و علوم بپردازد، تندرستی آنان را به خطر انداخته و موجبات ابتلا به انواع بیماری‌ها و ناراحتی‌های شدید روحی و روانی می شود و بنابراین در این ارتباط، کودک و کاری را که مانع رشد کودک و سبب آسیب‌های جدی به او می شود، تعریف کرده و در نهایت، برخی پیمان نامه ها و یا مقاوله نامه ها را نسبت به اعضای آن به تصویب رسانده است.

نخستین اقدام بین‌المللی در جهت حذف کار کودک، در سال ۱۹۱۹ و در راستای اجرای ماده ۴۲۷ معاهده ورسای انجام گرفت. در این کنفرانس بین المللی مرتبط با کار، مقاوله نامه حداقل سن در امور صنعتی که ۱۴ سالگی بود را به تصویب رساند و همچنین در همان سال، مقاوله نامه کار در شب برای جوانان نیز به تصویب رسید. این دو مقاوله نامه اولین گامهای جهانی در جهت حذف تدریجی کار کودک محسوب می‌شد (الله وردیزاده، ۱۳۷۵: ۴۰ و ایروانیان، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۱۲)

مقاوله نامه بعدی که در این ارتباط بود، یعنی مقاوله نامه شمارهٔ ۱۳۸ سازمان ILO مصوب ۱۹۷۳، نیز این سن را در کارهای عادی ۱۵ سال و در کارهای مضر به حال کودکان، ۱۸ سال تعیین کرد. همین کنوانسیون مقرر می دارد که در کشورهایی که اقتصاد و تشکیلات آموزشی آنان به حد کافی رشد پیدا نکرده است، این سن تا ۱۴ سالگی کاهش می‌یابد و در مورد کارهای مضر، مقرر می‌دارد که این سن در صورتی که امنیت و سلامت اخلاقی جوانان به طور کامل حفظ شود، تا ۱۶ سالگی تنزل یابد. (الله وردی زاده : ۴۳-۴۲ و ایروانیان، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۱۲).

در سال ۱۹۹۹ در کنواسیون منع بدترین شکل کار کودک نیز بیان شد که واژه کودک برای افرادی به کار برده می‌شود که سن آنها کمتر از ۱۸ سال باشد و همچنین در ماده ۳ آن، بدترین

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

اشکال کـار کـودک به موارد زیر اطلاق گردید: الف) کاری که کودکان را در معرض سوء استفادهٔ جسمانی، روانی یا جنسی قرار می دهد؛ ب) کار در زیرزمین، زیر آب، در ارتفاعات خطرناک یا در فضاهای بسته؛ ج) کار با ماشین آلات و تجهیزات و ابزارهای خطرناک یا کاری که متضمن جا به جایی یا حمل بارهای سنگین با دست است؛ د) کار در محیط ناسالم که ممکن است به طور مثال، کودکان را در معرض مواد، عوامل یا فرایندهای خطرناک، یا در معرض دما، صدا، یا ارتعاش‌های مضر برای سلامتی قرار دهد؛ ه) کار تحت شرایط بسیار مشکل از قبیل کار برای ساعات طولانی یا در خلال شب یا کار در جایی که کودک به نحو غیر متعارفی محدود به کارگاه کارفرما است. همچنین تعبیر اصطلاحی کودکان کار نیز به کسانی اطلاق شد که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند (ایروانیان، ۱۳۸۸، ۱۵۰-۱۱۲).

در ایران، پس از انقلاب اسلامی، تبیین مفهوم کودک دچار ابهام و آشفتگی فراوان گردید؛ به گونه ای که دارای تعاریف متعددی شد و مقاوله نامه های سازمان ملل متحد نتیجه خود را در ماده ۷۹ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام‌نشان داد و بنابراین، به کارگیری اطفال کمتر از ۱۵ سال تمام در کارها ممنوع شد و تعبیر کودک نیز به اشخاص کمتر از ۱۵ سال اطلاق گردید (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۵: ۲۹۵-۲۸۲).

همچنین براساس ماده ۷۹ قانون کار، اشخاصی که بیشتر از ۱۵ سال و کمتر از ۱۸ سال تمام سن دارند، کارگر نوجوان تلقی گردیده اند. یعنی قانونگذار، این گروه را نه صغیر محسوب کرده است تا از اشتغال ایشان جلوگیری کند و نه بزرگسال که به طور مطلق اجازه کار به ایشان دهد. پس در مورد این گونه اشخاص عملاً به نوعی رشد جسمی و فکری ناقص معتقد بوده و به همین منظور در این موارد اجازه کار را منوط به رعایت پاره‌ای شرایط، چون ممنوعیت ارجاع کار در شب، ممنوعیت اضافه کاری و ... نموده است.

بر پایه آمارهای سازمان بین المللی کار در سال ۲۰۰۵، ۲۴۶ میلیون کودک کار می‌کرده‌اند و از این تعداد، ۷۳ میلیون تن کمتر از ۱۰ سال داشته‌اند. هر سال ۲۲ هزار کودک بر اثر کار کردن می‌میرند. بیشترین شمار کودکان کارگر یعنی ۱۲۷ میلیون تن ۱۴ و کمتر از ۱۴ سال دارند و در آسیا زندگی می‌کنند. هیچ کشوری از پدیده کار کودکان در امان نیست. ۲/۵ میلیون کودک کارگر در کشورهای صنعتی و پیشرفته به سر می‌برند(همان).

۲-۲- فقر خانواده، یکی از علل مهم کار کودک

علل و رشد کار کودکان در شرایط کنونی جهان بسیار مشابه علل آن در گذشته می‌باشد و علل آن، هم می‌تواند به جانب عرضه و هم، به جانب تقاضای آن باز گردد. کودکان وقتی در خانواده ای فقیر

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

باشند، خواسته و یا ناخواسته به بازار کار وارد می‌شوند تا نیازهای اساسی خانواده خود را جبران کنند و کارفرمایان سودجو نیز جهت کاهش هزینه های خود، به بازار رسمی و یا غیررسمی وارد می‌شوند تا از نیروی کار کودک استفاده نماید.

فقر خانواده‌ها و یا بزرگسالان و همچنین جهل آنها از علل مهم و ریشه ای عرضه کار کودکان بوده که سبب می‌شود کودکان وارد بازار کار شده و در نتیجه فرصتهای فرار از فقر آینده را از دست بدهند و گاه آسیب‌های جبران ناپذیری متوجّه خود گردانند. وقتی به کارگران، درآمد کمی داده می‌شود و یا کشاورزان نمی توانند معیشت خود را تأمین نمایند، برای کسری درآمد خود، راهی جز استفاده از کار کودکان نمی‌یابند و با استفاده از رابطه پدر و فرزندی، زمینه عرضه کار کودکان را فراهم می کنند و آنها را به کار می‌گمارند و بنابراین، می توان گفت اینکه تعداد زیادی از کودکان در بخش روستایی، کشاورزی و همچنین در مزارع به کار گرفته می‌شوند، دلیل عمده اش فقر می‌باشد.

بسیاری از عوامل دیگر نیز که از اسباب کار کودکان شمرده می‌شوند، منشأ آنها فقر خانواده ها، سرپرستان و بزرگسالان می‌باشد. وقتی هزینه آموزش و پرورش بالا باشد و سرپرستان نیز نتوانند هزینه های آموزش آنها را تأمین کنند یا وقتی پدر و مادرها از یکدیگر طلاق می‌گیرند و مشکلات زیادی برای تأمین هزینه زندگی کودکان به وجود می‌آید، همچنین اینکه بیشتر کودکان کار مربوط به نظامهای طبقاتی کاستی یا اقلیت های مذهبی از جمعیت‌های مهاجر می‌باشد، منشأ بسیاری از آنها به فقر خانوارها بازگشت می‌کند.[۱]

و همچنین در نهایت می توان گفت، وقتی حاکمان، کودکان دارای نیروی کار را به عنوان فقیر لحاظ نمی‌کنند و در نتیجه، وظیفه خود ندانسته که باید آنها را تأمین نمایند، بنابراین هیچ اراده سیاسی برای جلوگیری از کار کودکان در نظام سیاسی به وجود نمی آید و استانداردها و همچنین قوانین صریحی برای کار آنها وضع نمی‌شود و پیرامون مکانیسم اجرای آن نیز فکر نمی‌شود؛ و اینکه گفته شود، عوامل دیگر کار کودک نیز به فقر بازگشت می کند، نیز سخن گزافی نیست، زیرا آن عوامل نیز یا در سلسله علل فقرند و یا اینکه معلول فقر می باشند.

مطابق آمار سازمان ملل، حدود یک - پنجم از جمعیت جهان در فقر مطلق زندگی می‌کنند و تشدید فقر در بخشهایی از آفریقا، آسیا و آمریکا لاتین باعث شده است تا بسیاری از کودکان به کارگران کودک تبدیل شوند، در حالی که استخدام کودکان برای کار، ممکن است به نگهداشتن

---

۱. حدود ۱۲۵ میلیون کودک در جهان به مدرسه نمی روند و بسیاری از فرصتها که می تواند از کار کودکان جلوگیری کند، صرف مخارج نظامی می شود. کمپین جهانی آموزش تخمین زده که آموزش رایگان و با کیفیت برای همه کودکان به اندازه ۱۰ میلیارد دلار هزینه دارد که هزینه ۴ روزه یک جنگ بین المللی نظامی است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

بیشتر آنها در فقر منجر شود و فرصت خارج شدن از فقر را به وسیله آموزش و افزایش مهارت از دست آنها بگیرد (ایروانیان، ۱۳۸۸: ص۱۵۰-۱۱۲).

۳-۲- رفع فقر و تعیین خط فقر وظیفه حاکمان اسلامی

۱-۳-۲- وظیفه رفع فقر حاکمان

دولت اسلامی بعد از پدر و مادر و اقوام درجه اوّل، مسئول برطرف کردن نیازهای فقرا می باشند. اگر والدین نخواهند نفقه فرزندان خود را بدهند و یا در تغذیه کودکان خود اهمال کنند و یا آن را ناقص بپردازند، ابتدا دولت اسلامی آنها را اجبار و چنانچه پدر و مادر نتوانند عیال و فرزندان خود را تأمین کنند، باید خود تأمین نفقه آنها را به عهده بگیرد. در روایتی که مبنای عمل فقهاست، از امام صادق(ع) آمده است که پنج دسته از زکات داده نمی‌شوند، فرزند، پدر و مادر و آنچه در ملک انسان است زیرا که در مورد آنها فرد اجبار می‌شود که نفقه آنها را بپردازد (العاملی، ۱۳۱۶، ج۹: ۲۴۱). همچنین از امام کاظم(ع) روایت است که امام کسی را که وسیله زندگی نداشته باشد، نگاهداری و اداره می کند (المنتظری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۰۵).

بنابراین بر دولت اسلامی لازم است که با اموال فیء، خمس و دیگر مالیات‌هایی که از مردم می‌گیرد، سوء تغذیه، پوشش و آبروی کودکان را در مدرسه و هر اجتماع دیگر تأمین کند.

۲-۳-۲- تعیین خطّ فقر خانواده، معیاری برای شناخت کودکان فقیر

با توجه به اینکه دولت اسلامی وظیفه تأمین نفقه کودکان فقیر را بر عهده دارد، لازم است از باب مقدمه، راه‌هایی را برای شناخت آنان دنبال کند و یکی از راه‌های شناخت کودکان فقیر، شناخت خانواده های کودکانی است که درآمد ودارایی آنان کمتر از خط فقر می باشد زیرا معمولاً زندگی کودکان از وضع زندگی خانواده هایشان تأثیر می‌پذیرد و بنابراین، غنا و فقر آنان ملازم غنا و فقر خانواده های آنها بوده و بنابراین، زمانی که درآمد خانوارها کمتر از حد فقر باشد، کودکان نیز نوعاً فقیر بوده و احتمال به کار گرفتن آنها نیز قوّت می گیرد و می توان این نتیجه را به دست آورد که دولت اسلامی ابتدا باید به دنبال تعیین یک خط فقر برگرفته شده از فقه اسلامی برای تعیین خانواده های فقیر باشد.

این مساله (شناخت فقرا و خط فقر) هم در روایات و هم در کلمات علمای اسلام محل سؤال بوده است که چه کسانی فقیر می باشند و مرز فقر کدام است که در مجموع علمای شیعه در برداشت از کلمات ائمه(ع) به نظر واحدی برای حد فقر رسیده اند و نظرات علمای اهل تسنن متفاوت ذکر شده است که حکایت از اختلاف میان آنان دارد.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

۴-۲- انواع خطوط فقر ذکر شده در نظر فقها و دانشمندان اسلامی

۱-۴-۲- خطوط فقر اسلامی

همانگونه که بیان شد بین همه فرق اسلامی در مورد مرز خط فقر اتفاق نظری وجود ندارد و نظر برخی از علما و دانشمندان اهل تسنن متفاوت از علمای شیعه می باشد و می توان نظر دانشمندان جدید آنها را در یک جمع بندی به صورت زیر دسته بندی کرد.

ابوعبید (۱۹۷۵: ۶۷) و عابدین (۱۹۸۴: ۴۵) و موسسه الاغاثه الاسلامیه (۲۰۰۸) حدّ فقر را سطح ضروریات در تعریف غزالی و شاطبی[1] گرفته اند و لکن مقدار آن را موسّع و بر حد کفایت تطبیق داده اند و معتقدند که دولتهای اسلامی بر حسب اختلاف زمان و مکان و همچنین شرایط متفاوت، گاه موسّع و گاه، مضیق تعیین نموده اند و عابدین (۱۹۸۴: ۴۸) این نظر را به شافعی، حسن بصری، احمد حنبل، مالکیه و حنفیه نیز استناد داده است و شواهدی از کلمات آنها را نیز بر این نظر بیان می‌کند.

موسسه الاغاثه الاسلامیه (2008: 2-7) بیان می‌کند که اگر در هند با رویکرد قابلیتی به فقر نگاه شود، ۵۲ درصد فقیر خواهیم داشت و اگر با رویکرد پولی به فقر نگاه شود، آمار فقر به ۳۸ درصد می‌رسد و در ادامه، بیان می‌دارد که رویکرد پولی با رویکرد اسلامی در نظر اکثریت (بجز حنفیه) سازگار نیست و بنابراین، حدّ ضروریات (در تعریف غزالی و شاطبی) نیازهای انسان را در حداقل یک زندگی قابل قبول و کافی فراهم می‌کند و به راحتی در چارچوبی قرار می‌گیرد که با ابعاد چند گانه در شاخص های توسعه انسانی که بر اهمیت درآمد، آموزش، بهداشت تأکید دارد، برابری می کند. همچنین بیان می‌کند که یک سطح زندگی قابل قبولی که ضروریات را تأمین کند، ضرورتاً باید به گونه ای باشد که اعمال دینی به خوبی با آن انجام شود و این امر وابسته به داشتن آزادی، منابع و وقت کافی برای عبادت است.

در طرف مقابل، جمعی از فقها و تابعین آنها، اعتقاد به نظر مخالف نظر حدّ کفایت دارند. الشافعی(۱۹۸۴: ۱۱۳) پس از تبیین سه حد رفاه کفاف، کفایت، رغد و اتراف،[2]سطح ضروریات در اصطلاح اصولیون (غزالی و شاطبی) را بر کفاف منطبق می‌کند و معتقد است که تطبیق ضروریات در اصطلاح اصولیون که حدّ فقر شناخته می‌شود و فقر را برطرف می‌کند، حد کفایت نیست و معتقد است که احمد سلامه خلاف اصطلاح صحبت کرده است و بنابراین، ضروریات در اصطلاح

---

۱. یعنی چیزهایی که قوام حیات انسان بر آن مبتنی است.

۲. وی می گوید حد کفاف، حدّی است که حیات بدون آن قوام نمی گیرد، حد کفایت زندگی با آن آسان می شود و قوت و شادابی می‌یابد، حد الرغد به زندگی زیبایی می بخشد و در نهایت، حد اتراف غیر مشروع بوده و حد فقر همان حد کفاف و ضروریات غزالی و شاطبی است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

غزالی و شاطبی چیزهایی هستند که حیات بدون آنها امکان ندارد و یا عادتاً استمرار آن ممکن نیست (یعنی کفاف).

سید عثمان الحبشی (Alhabashi, 2009: 3) نیز از اهل سنّت بر خلاف دسته اوّل، بعد از شرح مراتب رفاه در نظر غزالی و شاطبی و همچنین تأکید بر ارتباط فقر با ضروریات، بیان می‌کند که فقر با مفهوم نصاب زکات مرتبط است و بنابراین، کسی که به حد نصاب زکات ندارد، نباید زکات پرداخت کند و حتی زمینه این را دارد که به او زکات داده شود.

سید افضل پیرزاده نیز با تأکید بر همین نظر، این ایده را شرح می‌دهد و می‌گوید که اگر کسی درآمد و دارایی اش کمتر از نصاب زکات (۴۰ درهم یا ۴ دینار که به اندازه ۸۷/۴۷ گرم طلا و ۶۱۲/۳۲ گرم نقره) باشد، فقیر محسوب شده و از زکات، به چنین فردی داده شده و همچنین از پرداخت زکات معاف می‌باشد که این روش، توسعه یافته تر از روش مینیمم کالری لازم می‌باشد، زیرا قیمت حداقل کالری لازم در هند برابر ۲ هزار و ۳۳۲ روپیه بوده، در حالی که ارزش پولی نصاب زکات ۴ هزار روپیه در هند می‌باشد که گاهی ارزش این نصاب نیز به هفت الی هشت برابر ارزش پولی مینیمم کالری و حتّی در حد استاندارد زندگی نیز رسیده است. قیمت طلا و نقره معمولاً بیش از قیمت غذا افزایش یافته و گاهی دارنده نصاب، می‌تواند در مقطعی از زمان، پس انداز نیز داشته باشد و بنابراین، در کشورهای اسلامی نباید سطح فقر بر حسب کالری یا حداقل ارزش خالص غذا یا ناتوانی برای دسترسی به یک استاندارد زندگی سنجیده شود و بلکه باید معیار فقر و غنا، نصاب زکات دانسته شود(Peerzade, 2009).

علمای شیعه بدون اشاره به تقسیم رفاه در تعریف غزالی و شاطبی و با تکیه بر روایات رسیده از طریق امامان شیعه، بالاجماع حدّ فقر را همان حدّ کفایت گرفته اند.[۱]

این خطوط فقر متفاوت به عنوان شریعت که برخی از برخی دیگر فاصله دارند، چنانچه مبنای رفع فقر در حکومتهای اسلامی شود، ضرورتاً نتیجه متفاوتی در کار کودکان نیز خواهد داشت که در فصول بعد به آنها پرداخته خواهد شد.

۲-۴-۲- خطوط فقر در حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی

رویکردهای متفاوتی در اقتصاد متعارف در مورد فقر ذکر شده است که می‌توان آنها را در یک تقسیم‌بندی کلی به دو قسم رفاه‌گرا (ذهنی) و غیر رفاه‌گرا (عینی) تقسیم کرد (راوالیون، بی‌تا: ۷۶).

---

۱. برای استدلال تعیین خط فقر بر حسب کفایت، رجوع شود به : پایان نامه مجتبی باقری تودشکی با عنوان «تعیین و محاسبه خط فقر شریعت(مطالعه موردی استان قم)» با راهنمایی یداله دادگر که در اسفند سال ۱۳۸۸ در دانشگاه مفید دفاع شد.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

رویکرد رفاه‌گرایی در فقر یعنی تحلیل فقر به عنوان درجه ای از مطلوبیّت اشخاص و رویکرد غیررفاه‌گرایی یعنی تحلیل فقر به عنوان درجه ای از توانگری، قدرت خرید و یا درجه ای از آزادی اشخاص و قابلیّت آنها (Sen, 1984:.74-90).

فقر بر مبنای رفاه‌گرایی، یک برداشت ذهنی است و فرد تا زمانی که احساس فقر نکند، فقیر نیست و به عبارت دیگر، فقر ذهنی عبارت است از برداشت ذهنی هر فرد از وضعیّت خود در رابطه با فقر، هر چند که تبلور عینی فقر در جامعه می‌باشد. هر شخص در ذهن خود متناسب با جایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش، یک سری نیازهایی را ضروری دانسته و ارضای آنها را طلب می‌کند و اگر آن نیازها که وی ضروری قلمداد می‌کند، برآورده نشود، فرد خود را فقیر می‌داند و میزانی که فرد با آن از فقر خارج می شود، خط فقر گفته می شود (Nothan, 1997: 94).

فقر بر مبنای غیر رفاه‌گرایی، واقعیّتی در خارج از ذهن افراد است که بعضی بر نسبی بودن این واقعیّت، بعضی بر مطلق بودن آن و بعضی بر تلفیقی از نسبیّت و مطلق بودن تأکید دارند.

فقر مطلق دلالت بر محرومیت و عدم توانایی مالی افراد برای ارضای نیازهای ضروری انسانها دارد و خط فقر مطلق، سطحی از زندگی است که افراد با آن زنده می‌مانندکه گاهی، زنده ماندن در یک دوره کوتاه مدّت و گاهی، یک دوره بلند مدّت مدّ نظر است و معمولاً نیازهای ضروری خط فقر مطلق با توجه به نظر کارشناسان تغذیّه تعیین می‌گردد. سی بوهم رونتری بیان می‌کند: خانواده ای فقیر محسوب می‌گردد که درآمد کلّ آن برای بدست آوردن حدّاقلّ ضروریاتی که تنها کارایی فیزیکی تنها را برای فرد مهیا می‌کند، کافی نباشد. (کن و سیلبورن، بی تا : ۱۰).

فقر نسبی دلالت بر محرومیت و عدم توانایی مالی افراد نسبت به دیگر افراد جامعه دارد که آنها را از مشارکت و زندگی فرهنگی جامعه کنار می‌گذارد و خط فقر نسبی نیز اندازه ای به صورت یک معیار نسبی همانند درآمد سرانه است که بر مبنای آن تعیین می شود که چه کسی فقیر است (NOTHAN, 1997:94).

در برخی از تعاریف فقر و همچنین خطوط فقر عینی، هم بر جنبه های نسبی و هم، بر جنبه های مطلق تأکید شده است. مثلاً سازمان جهانی کار[1] در تعریف خط فقر، بر هر دو جنبه تأکید دارد و می گوید: در یک لیست از ضروریات که اگر افراد آنها را در اختیار نداشته باشند، فقیر محسوب می شوند، باید تناسب زندگی اجتماعی در آن رعایت شود و ممکن است در این صورت، در لیست کالاهایی که نیازهای اساسی را تأمین می‌کنند، علاوه بر خوراک، مسکن و پوشاک، حمل و نقل و بعضی فعّالیت‌هایی که تازه خلق شده اند نیز باشد.

تعریف آمارتیاسن از فقر نیز همین گونه است که می‌گوید : فقر یعنی فقدان قابلیت‌های اساسی

1. The International Labour Organization (ILO)

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

برای رسیدن به سطوح مینیمم قابل قبول معین (FUSCO, 2003: 7-8) فقر قابلیتی، نه تنها بر محرومیت و ناتوانی برای دستیابی به نیازهای فوری دلالت دارد بلکه همچنین بر ناتوانی رسیدن به ظرفیت‌های بالقوّه و به کارگرفتن دامنه قابلیت‌ها به طور کامل دلالت دارد[1] و کفایت درآمد در نظر ایشان برای گریز از فقر، پارامتری است که به شرایط و خصوصیات شخصی هر فرد بستگی دارد (سن، ۱۳۷۹:۱۷۱- ۱۶۹؛ SEN 1984: CHAPTER 7 و ر. ک: دادگر و باقری، ۱۳۸۶).

این رویکردهای متفاوت به فقر و همچنین خطوط فقر بر مبانی مختلف، چنانچه مبنای رفع فقر خانواده ها باشد، هر کدام تأثیر متفاوتی بر کار کودکان خواهند داشت که در بخشهای بعدی به طور اجمالی به نقش آنها در رفع فقر کودکان در مقایسه با خط فقر شریعت اشاره می شود.

۵-۲- کفایت خط فقر شریعت، ادله و ویژگی‌های آن

۱-۵-۲- تعریف و ادله

فقهای شیعه در تعبیر مرز فقر و غنا، تعابیر مختلفی ذکر کرده‌اند که همه آنها به کفایت باز می‌گردد. برخی همانند مفید (بی تا: ص۲۴۰)در مقنعه، سید مرتضی (بی تا: ۱۲۵) در کتاب الانتصار، الحلبی (۱۴۱۴: ۱۱۲) و الحلبی در کتاب غنیه (۱۴۱۷: ۱۲۳) علّامه حلّی در تذکره (ج ۱: ۲۳۰) گفته‌اند فقرا کسانی هستند که کفایت زندگی خود را ندارند و برخی از فقهای دیگر همانند شهید اوّل در البیان (۱۳۲۲)، شهید ثانی در کتاب لمعه(۱۳۸۷، ج۲ : ۴۲) محقق کرکی در کتاب جامع المقاصد (۱۴۰۸، ج۳: ۸)، علامه حلّی در کتاب ارشاد الاذهان(۱۴۲۰، ج ۱: ۲۸۶) وکاظم یزدی در عروه الوثقی(۱۴۲۰، جلد۴ : ۱۰) گفته اند که فقرا کسانی هستند که مخارج سال خود و عیال خود را دارا نباشند و مراد آنها نیز نداشتن کفایت است.(ر.ک: دادگر و باقری، ۱۳۸۸).

شهید صدر از علمای متاخر شیعه(۱۳۵۷، ج۲: ۳۳۲-۳۲۹) در کتاب «اقتصادما» نظر کفایت را چنین شرح می‌دهد: کفایت حدّی از مخارج است که همه نیازهای شدید و غیر شدید را در بر می‌گیرد و نیاز شدید در ارتباط با ضروریات اوّلیه ای است که پیشرفت جامعه در آن تأثیری ندارد و تأمین آن بر همه مردم لازم است و نیاز غیر شدید مرتبط با پیشرفت و رفاه جامعه است که تأمین آن از وظایف حاکم است. آنگاه ایشان به تعریف زندگی مکفی که دولت وظیفه تأمین آن را دارد، می‌پردازد و می‌گوید: مفهوم زندگی مکفی، مفهومی است وسیع و قابل انعطاف، بدین معنا که هر اندازه درجه رفاه و آسایش عمومی بیشتر شود، معنای فوق (کفایت) نیز گسترش می‌یابد. بنابراین، دولت باید حاجت‌های اصلی و عمومی غذا، مسکن و لباس را تأمین نماید. اشباع این حاجت‌ها باید

1. Localizing the Habitat Agenda for Urban Poverty Reduction, op.cit

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

از لحاظ کمّیت و کیفیت با توجّه به شرایط روز، کافی و شایسته باشد، به علاوه حاجت‌های درجه دوّم را که به واسطه بالا رفتن سطح زندگی پیدا می‌شوند نیز باید برطرف نماید و در نتیجه، ایشان فقیر را چنین تعریف می‌کند: فقیر کسی است که از آنچنان سطح زندگی که وضع عمومی جامعه و مملکت ایجاب می‌کند و برخوردار بودن از آن برای تأمین حاجات ضروری میسّر و مقدور است، برخوردار نباشد.

از مجموع روایات باب‌های ۸، ۹، ۱۴ و ۲۴ جلد ۹ وسایل الشیعه، می توان نتیجه گرفت که از زکات به اندازه کفایت می‌توان به فقرا داد. در برخی از آنها بیان شده که به اندازه ای باید از زکات به فقرا داد که به اندازه کفایت سالانه خانواده آنها باشد و در بعضی از روایات آمده که به اندازه ای از زکات به فقرا بدهید که بی نیاز شوند و در برخی روایت شده است که شخص می‌تواند از زکات بگیرد، در حالی که او دارای ۵۰۰ درهم، هزار، ۲ هزار، ۳ هزار، و حتّی ۱۰ هزار درهم باشد و این ادلّه، مجموعاً نظر فقهای شیعه را که حدّ کفایت مرز خاصّی ندارد، اثبات می‌کند که در اینجا به دو روایت نیز، اشاره می‌شود.

در روایت سعید بن غزوان از امام صادق(ع) آمده است که به فقرا به اندازه ای بدهید که بی نیاز شوند. (العاملی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۲۵۸) و در روایت دیگر از امام صادق(ع) آمده است که به مردم فقیر، از زکات به اندازه مخارج سالانه‌شان داده می‌شود، پس شخص فقیر می‌تواند به اندازه کفایت یک‌سال خود و خانواده خود بگیرد (همان : ۲۶۱)

بنابراین، مطابق آنچه ذکر شد، خانواده فقیر در نظر برخی از فقهای اهل سنّت(ر.ک: ابن قدّامهٔ المقدسی،۱۴۰۴، ج۲: ۶۸۸) و اجماع علمای شیعه، کسی است که هزینه های ضروری یک سال زندگی مطابق شأن افراد تحت تکفل خود را نداشته باشد و بدین ترتیب کودکی که هزینه یک سال در شان خود را به حدّ کفایت نداشته باشد نیز فقیر محسوب می‌شود.

۲-۵-۲- ویژگی‌های کفایت

کفایت دارای ویژگی‌هایی است که به برخی از آنها در اینجا اشاره می شود:

الف) بر اساس آنچه بیان شد، کفایت خانواده و کودک در بردارنده همه نیازهای ضروری می‌باشد و لکن در این بین، اسلام بر نیاز های اولیه ای که حیات فیزیولوژیک کودکان به آن وابسته است، تأکید بیشتری دارد و لذا قرآن کریم در مورد تغذیه کودکان یتیم که از ضروریات اوّلیه او می‌باشد و نبود و یا کمبودش باعث مرگ و میر، کوتاهی عمر، کم شدن وزن و قد، عقب ماندگی ذهنی، اختلالات روانی و ابتلا به انواع بیماری ها می‌شود و بیش از سایر اقشار در سنین مختلف خطر آفرین است، آورده است (سوره بلد : آیه ۱۴ و ۱۵) « این انسان گردنه را نپیمود. چه می‌دانید

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

که این گردنه چیست؟ آزاد کردن بندگان، غذا دادن به مساکین خاک‌نشین و یتیمان خویشاوند » و همچنین بیان کرده است که از جمله ویژگی های انسان‌های نیک، اطعام کودکان یتیم است در سوره انسان، آیه ۸ آمده است : « با آنکه خود غذا را دوست دارند اما به نیازمند، کودک، یتیم و اسیر می‌دهند ».

ب) بر اساس آنچه بیان شد، خط فقر کفایت می باشد و کفایت نیز همه نیازهای ضروری را در بر دارد که اعم از نیازهای ضروری مرتبط با عادات، شئون و اجتماع می‌باشد. نیازهای شأنی، عادتی و اجتماعی کودک نیز نیازهایی هستند که از یک کودک به کودک دیگر در یک جامعه و از یک کودک در یک جامعه به کودک دیگر در جامعه دیگر متفاوت است و چنانچه مورد توجه قرار نگیرد باعث آسیب‌های روحی به کودک می شود.

در کتاب شرح لمعه که یک متن مشهور فقهی است، چنین ذکر شده است: مستحقّان زکات کسانی هستند که مخارج سال سازگار با شأن خود و افراد تحت سرپرستی خود را نداشته باشند (العاملی، ۱۳۶۵: ۴۲). در یک متن مشهور فقهی دیگر( ) اشاره شده است که می‌توان به شخصی که خانه و وسیله سواری هم دارد، در صورت نیاز و یا عادت، زکات داد (محمد بن مکی، ۱۴۱۲ :۲۴۰)؛ یعنی اینکه مجبور نیست آنها را برای رفع احتیاجات دیگرش به فروش برساند و می‌تواند زکات بگیرد. در کتاب مسالک تصریح شده است که در مورد پرداخت زکات باید به شأن افراد توجه شود (العاملی، ۱۴۱۴ : ۴۱۰).

در برخی از روایات که مبنای حکم فقهی نیز می‌باشد، آمده است که می‌توان از طریق پرداخت زکات، فقیران را در موقعیتی قرار داد که بتوانند ازدواج کنند، به حجّ روند و صدقه دهند (الحر العاملی، ج۹ : ۲۸۹) تا فقرا احساس نکنند از دیگران جدا هستند و همانند دیگر افراد جامعه قادر باشند که به مسافرت روند، مشارکت در امور عمومی داشته و حتّی توانا باشند تا برای رفع خطر از فرزندانشان صدقه دهند. امام صادق(ع) در روایتی، ملاکی را برای حدّ فقر بیان کرده و می‌فرمایند: "... شخص با دریافت زکات در خوراک و پوشاک عیال خود توسعه دهد... و آنچه از زکات می‌گیرد به عیال خود برگرداند تا آنان را به بقیه مردم ملحق کند" (همان :۲۳۲؛ دادگر و باقری تودشکی، ۱۳۸۸ :۱۱۴؛ ر.ک: باقری تودشکی،۱۳۸۴) و ر.ک: دادگر و باقری تودشکی، ۱۳۸۶).

بنابراین، در خط فقر کودکان نیز باید به نیازهای مرتبط با شأن و عادت اجتماعی همانند نیازهای ضروری فیزیولوژیک توجه کرد تا آنها را به بقیه کودکان جامعه از لحاظ معیشت ملحق ساخت.

ج) کفایت شریعت عینی می باشد؛ یعنی اینکه اینگونه نیست که دو نفر که دارای شرایط واحدی هستند، به دلیل اینکه یکی، خود را با ذهن خود فقیر و دیگری خود را غیر فقیر می داند،

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

دولت اسلامی ذهنیت آنها مورد تأیید قرار داده و یکی را فقیر و دیگری را غیر فقیر بداند، بلکه معیار فقر در دولت اسلامی نسبت به این دو فرد یکی است که بر اساس واقعیت‌های عینی و عرف، ملاحظه آنها را می کند.

د) حدّی از آموزش در اجتماع یک نیاز اجتماعی ضروری است. در سخنان پیشوایان دین جهل همانند بیماری، نوعی مرگ (محمدی الری شهری، ۱۳۶۲، ج۳ : ۹۳) و اصل هر شرّی تعبیر گردیده (همان : ۹۴) و پیامبر(ص) جهل را بدترین فقر دانستند (العاملی: ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۲۰۷) و همچنین فرمودند: «فراگیری علم بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است» (حکیمی ، ج۱: ۵۲) و نیز فرمود: «دانش اندوزی نزد خداوند از نماز، روزه، حجّ و جهاد برتر است» (محمّدی الرّی شهری، ج ۳: ۲۰۷۰)؛ زیرا این عبادات در پرتو علم هدفمند بوده و علم، مقدّمه انجام فرامین الهی است و چنانچه کسی هزینه فراگیری علم جهت انجام واجبات و گذران زندگی خود را ندارد، بی تردید این هزینه از هزینه‌های ضروری بوده که بخشی از آن، مربوط به ضروریات اوّلیه بوده و بخشی نیز از ضروریاتی است که مربوط به شان و جامعه فرد می‌باشد و اگر افرادی نتوانند این هزینه‌ها را تأمین کنند، فقیراند و از زکات و درآمدهای عمومی، جبران آن لازم است.

هـ) بعضی از فقها به طور مطلق بیان کرده اند که شخص می‌تواند جهت فراگیری هر علم نافع، کسب و کار غیر علمی خود را رها کرده و نیاز خود را از زکات برطرف سازد.

فقیه همدانی در کتاب مصباح الفقیه خود آورده است: دانش پژوهانی که شغل خود را تحصیل علومی قرار می‌دهند که حرام شرعی نمی‌باشند، زمانی که اموالشان کمتر از حد کفایت مخارج آنها می‌باشد، می‌توانند زکات بگیرند، اگرچه این علوم، علوم واجب و یا مستحب نباشند و در مجموع می‌توان گفت کسی که توجّه به احتیاجات بشر داشته باشد، بعید است که علم نافع را منحصر در علوم دینیه بداند. (الهمدانی، ۱۳۶۴: ۸۸).

نتیجه اینکه، مطابق این فتاوا، برای نیاز به آموزش و لحاظ آن در کفایت، حتی حکم جداگانه ای برای همه افراد بیان شده است و افرادی که به تحصیل علم نافع و مفید که مانع از کار است، اشتغال دارند و نمی‌توانند به درآمد مکفی برسند، مطابق این نظرات، فقیر محسوب شده و بنابراین، می‌توانند از زکات ارتزاق کنند و چنین حکمی اگر ثابت شود، به طریق اولی نسبت به کودکان جاری خواهد بود.

و) کفایت باید از کاری ایجاد شود که در شان فرد باشد. در تعریف مشهور فقهای شیعه آمده است که فقیر کسی است که هزینه های یک سال خود را نداشته باشد و همچنین مراد از"داشتن"(مالکیت) داشتن بالقوّه و بالفعل می‌باشد و بنابراین، کسی که دارای سرمایه، ملک، شغل و حرفه ای است که از درآمد آن، مخارج سال خود را به دست می‌آورد و یا حتّی کسی که بیکار

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

است ولی توانایی کار دارد و کار نیز برای او موجود است، فقیر نمی‌باشد. این تعریف در برخی از روایات نیز تصریح شده است که پرداخت زکات به کسی که دارای شغل، سالم و دارای قدرت کار است حلال نیست (العاملی، ۱۴۱۴: ۲۳۱) و لکن در مباحث فقهی قید شده است که مراد از کار، کاری است که مطابق با شان افراد باشد و بنابراین، مراد از داشتن کار و یا توانایی برای کار، هر نوع کاری نیست و بلکه کار باید مطابق شان افراد باشد (النراقی ۱۳۲۵، ۲۶۶) و لذا اگر زمینه کار مناسب فراهم نباشد، فرد مجبور به کار غیر مناسب با شأن نمی‌شود و می‌تواند برای امرار معاش از زکات بگیرد و بنابراین، فقیر محسوب می‌شود.

اما در مورد کودکان می توان گفت: در زمانی که آنها مشغول آموزشند، یا اصلاً شأنیتی برای کار ندارند و یا بسیاری از کارها مناسب شأن آنها نیست، حاکم اسلامی باید شأنیت آنها را در فقر لحاظ کند.

۶-۲- رابطه کفایت شریعت و خطوط فقر دیگر

خطوط فقر ذکر شده ما بین فرق اسلامی، دارای روابطی است که بیان آنها می تواند به روشن شدن ادعای نویسنده در مقدمه کمک نماید.

۱-۶-۲- رابطه ضروریات غزّالی و شاطبی و کفایت

همان گونه که در خلال بخشهای قبل نیز به آن اشاره شد، غزالی و شاطبی سه مرتبه برای رفاه در مورد نیازهای اساسی بیان کرده اند. غزالی از آنها با مرتبهٔ ضروری، مرتبهٔ حاجات، و مرتبهٔ زیادی(فضول) و شاطبی از آن سه با ضروریات، حاجیات و تحسینیات یاد کرده، غزالی گفته است که سطح ضروری(سطح اول) آن است که انسان با آن زنده می‌ماند ولی به همراه ضعف و مشقّت و شاطبی گفته که آن سطحی است که فقدان آنها، اگر با اختیار باشد، باعث اختلال حیات در دنیا و همچنین عقوبت در آخرت می‌گردد. غزالی در مورد سطح دوم و حاجات که همه حاجات و نیازهای مهم را دربردارد و همچنین مشقّت را نیز از انسان بر می‌دارد و شاطبی در مورد آن اضافه کرده است که نبودن آنها حیات را مختل نمی‌کند. غزالی در مورد سطح سوم گفته است که سطح رفاهی است که بیشتر از حاجات ضروری می‌باشد و آن را زیادی نامیده است و شاطبی آن را که تحسینیات نامیده، اموری دانسته که مروّت و مکارم اخلاق، اقتضای آن را دارد و عادات نیکو به وسیلهٔ آنها دنبال می‌شود (الزحیلی، ۱۹۸۵ ص۵۲؛ مجموعه نویسندگان عرب، ۱۴۰۳ : ۴۳۳؛ غزالی، بی تا، ج ۳: ۲۲۰؛ فیض الکاشانی، بی تا، ج ۷: ۳۶۴ و انس زرقاء، ۱۳۸۵: ۵۴).

از ظاهر کلمات آنها اینگونه فهمیده می شود که ضروریات آنها در ارتباط با بقای حیات و

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

همانند فقر و خط فقر مطلق است که ربطی به نیازهای اجتماعی ندارد و بنابراین، همانگونه که حسن الشافعی گفته است، ربط دادن برخی نیازها به سطح ضروریات در کلمات این دو دانشمند، اشتباه می باشد، چنانچه ابوعبید، القاسم بن سلام (۱۹۷۵: ۶۷)، عابدین احمد سلامه (۱۹۸۴ :۴۵) و موسسه الاغاثه الاسلامیه (۲۰۰۸) که حدّ فقر را سطح ضروریات غزالی و شاطبی[1]گرفته اند و مقدار آن را بر حد کفایت تطبیق داده اند، این اشتباه را مرتکب شده اند و بنابراین، سطح ضروریات غزالی و شاطبی بر سطح کمتری از رفاه دلالت دارند؛ زیرا که سطح کفایت همانند حاجیات بوده و مشقت در زندگی با آن برداشته می شود، در حالی که ضروریات آن دو عالم، حیات و زنده ماندن را تضمین می نمایند و بنابراین، اگر دولت اسلامی ضروریات غزالی و شاطبی را خطّ فقر قرار دهد، برخی از مشکلات خانواده های فقیر با آن باقی می ماند و ممکن است برای رفع آن به تکاپو بیافتند و حتی از کار کودکان خود در جهت رفع آنها استفاده کنند.

۲-۶-۲- رابطه نصاب زکات و کفایت

نصاب زکات، حدّی از دارایی می‌باشد که نسبت به حدّ کفایت، رابطه عموم و خصوص دارد. گاهی نصاب زکات، بیشتر از حدّ کفایت فرد بوده و گاهی کمتر و بنابراین، اگر چه ممکن است که نصاب اول و یا دوم زکات به اندازه کفایت خانواده های کوچک باشد و لکن نوعاً نصاب اوّل زکات فقر خانواده های بزرگ را برطرف نمی گرداند.

در ایده خطّ فقر به عنوان حدّ کفایت، این عقیده وجود دارد که اگر کسی دارایی اش به اندازه یکی از نصاب‌های زکات باشد، ضرورتاً باید زکات بدهد و اگر خود با دادن آن مقدار زکات فقیر گردد، دوباره از مستحقّین زکات محسوب گشته و می‌تواند از زکات جهت نیازهای دیگرش بگیرد؛ زیرا زکات به عین مال تعلّق می‌گیرد و کفایت زندگی در ارتباط با نیازهای ضروری زندگی است.

بنابراین، رابطه نصاب زکات و کفایت، عموم و خصوص من وجه است. کفایت همه نیازها را پوشش می دهد و لکن نصاب زکات ممکن است پوشش دهد و ممکن است ندهد و بنابراین، چنانچه دولت اسلامی نظر کفایت را به عنوان حدّ فقر شریعت اخذ کند، در نتیجه، همه مشکلات زندگی خانواده های فقیر را که مشقت زا بوده، برطرف کرده، در حالی که برخی از مشکلات با نصاب زکات ممکن است برطرف نشود و بنابراین، خانواده های فقیر از کار کودکان در جهت رفع مشکلات باقی مانده استفاده کنند.

---

۱. یعنی چیزهایی که قوام حیات انسان بر آن مبتنی است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

۳-۶-۲- رابطه خطوط فقر متعارف با کفایت

مطابق آنچه بیان شد، در رویکرد شریعت، هم به ضروریات نسبی توجه می شود و هم، به ضروریات مطلق و همچنین از جهت اینکه به شئونات افراد و خانواده ها نیز توجه دارد، به رویکرد قابلیتی آمارتیاسن نیز نزدیک است و لکن سازگاری با آن، تا زمانی است که رویکرد قابلیتی ملازم با فهم عرفی باشد. یعنی تا زمانی آموزش، بهداشت و دیگر نیازها، حتی آزادی که این نظر بر آن تأکید دارد، در فقر لحاظ می گردد که لحاظ آنها عرفی باشد.

از دیدگاه فقر قابلیتی در جاهایی که برخی ابزار قانونی برای جلوگیری از مراسم مذهبی نیز وجود دارد، فقر وجود دارد، زیرا افراد قابلیت این را دارند که آزادانه عبادت کنند و لکن عرفی بودن آن از ناحیه رویکرد شریعت محلّ تردید است و بنابراین، ملاحظه دو فرد در دو کشور که در درآمد و شرایط دیگر یکسان بوده و لکن از جهت داشتن آزادی متفاوتند اینکه، یکی را فقیر ملاحظه کنیم و دیگری را نه، ظاهراً عرفیت ندارد، در حالی که نظریه قابلیتی، آنها را از لحاظ فقر متفاوت می بیند و بنابراین برابر سازی قابلیت‌هایی اینگونه را در ارتباط با رفع فقر دیدن، همانگونه که آمارتیاسن بیان می کند، ممکن است، عرفی نباشد (دادگر و باقری تودشکی، ۱۳۸۸: ۸۸ و ر. ک: دادگر و باقری تودشکی، ۱۳۸۶).

البتّه باید توجه داشت که در شریعت اسلام که خط فقر را در حد کفایت لحاظ می کند و توجه شئونات افراد را نیز در آن لازم می بیند، نزدیک ساختن شئونات افراد را از جهت دیگر مورد توجه قرار داده است. آیات شریفه فیء که در آن بیان شده است از اموال عمومی فیء به فقرا و مساکین بدهید تا چرخش اموال فقط در دست اغنیاء نباشد نیز، اشاره به همین مطلب دارد. از یک طرف، زمانی که شئونات و عادات در شهرها متفاوت گشت، به تبع آن خطوط فقر نیز (با توجه به دخالت عادات جامعه در خطوط فقر) متفاوت می گردد و بنابراین، دولت اسلامی باید فقر آنها را با توجه به شئونات آنها برطرف کند و لکن از طرف دیگر، دولت اسلامی وظیفه نزدیک سازی عادات از طریق منابع خود و از طریق افزایش رفاه عمومی را دارد، یعنی چرخش مال را که موجب عادات متفاوت می باشد نیز به سمت طبقات پایین جامعه حرکت دهد که در نتیجه آن خطوط فقر به یکدیگر نزدیک شده و نابرابری نیز برطرف می گردد و می توان گفت که خطوط فقر متفاوت، بیشتر از ناحیه توزیع نابرابر درآمد و مصرف حاصل می گردد که دولت وظیفه رفع آن را نیز دارد

۷-۲- عدم قبول معاملات کودک

از مبانی فقه و حقوق اسلامی در بحث تکلیف و شرایط عامه برداشت می‌شود که تمام تکالیف الهی مبتنی بر شروطی است که قدر مسلم آن عبارت از بلوغ، عقل، قدرت و التفات است که شرایط عامه

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

تکلیف نامیده می‌شوند. پس حکم فعلی برای انجام تکلیف در مورد کودک، دیوانه و ناتوان وجود ندارد و به تبع، برخی از احکام وضعی برای آنها به وجود می آید که از جمله آنها عدم صحّت معاملات کودک است.

معاملات کودک در فقه اسلامی منوط به سنّ بلوغ شده و فقط معاملات بالغین صحیح دانسته شده است. البتّه برخی از فقهای امامیه علاوه بر شرط تکلیف سنی، رشد را نیز لازم دانسته‌اند و بر این مبنا کودکان به دو گروه تقسیم می‌گردند: کودکان غیر بالغ و کودکان بالغی که به سن شرعی رسیده و لکن رشد کافی ندارند و بنابراین معاملات آنها نیز از این نظر باطل می باشد.

بطلان معاملات کودک در جامعه باعث می شود که کودکان از بسیاری از کارها و فعالیت‌های جامعه معاف گردند.

۳- دلایل برتری کفایت در جلوگیری از کار کودک

اجرایی شدن نظرات متفاوت مطرح شده در مورد حد فقر شریعت، آثار متفاوتی در اقتصاد خواهد داشت و به نظر می‌رسد که اگر حاکم اسلامی حدّ کفایت را، به جای حدّ ضروریات غزالی و شاطبی و حدّ نصاب زکات، مبنای استحقاق زکات قرار دهد، این مبنا، نسبت به دو مبنای دیگر و همچنین نسبت به برخی از خطوط فقر متعارف دیگر، بیشتر، از کار کودکان جلوگیری می‌کند و دلایل آن را نیز می توان با توجّه به مقدّمات بیان شده به صورت زیر فصل‌های بعد بیان کرد:

۳-۱- لزوم رعایت شان عدم قبول معاملات کودک در کفایت خانواده

می توان گفت اینکه بلوغ شرط صحّت معاملات، است باعث محدودیت‌هایی برای واگذاری کارها به کودکان از جانب والدین و دیگر کارفرمایان متشرّع می‌گردد و بنابراین، مانع به کارگیری آنها در بسیاری از کارها به طور رسمی و غیررسمی، اجباری و غیر اجباری می گردد و همچنین حاکم اسلامی، زمانی که می‌خواهد در مورد خانواده ای نظر دهد که آیا آن خانواده دارای کفایت خود می‌باشد و یا نه؟ باید به توانایی و شأن کودکان در انجام معاملات نیز توجّه نماید و بنابراین، حکومت و مردم متشرع به احکام، در حالی که به شأن کودک توجه دارند، از کار آنها نیز بیشتر جلوگیری می کنند. البتّه در این جهت، برخی از فرق اسلامی، سنّ بلوغ را بیشتر بیان کرده و بنابراین، از این جهت قدرت بازدارندگی بیشتری نیز نسبت به کار کودکان خواهند داشت.[۱]

۱. اهل سنت شافعیه و حنابله، سن بلوغ را در زن و مرد ۱۵ سال و مالکیه ۱۷ سال گفته‌اند. حنفیه بلوغ پسر را در ۱۸ سالگی و در دختر ۱۷ سال ذکر نموده است. فقه امامیه غالباً سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری و همچنین برخی از متأخرین شیعه، بلوغ دختران را در ۱۳ سالگی دانسته‌اند.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

نوعاً در رعایت خطوط فقر متعارف دیگر که در برابر خط فقر شریعت قرار داشته، اینگونه ارزشهایی لحاظ نشده و از این جهت، تشویق کمتری به جلوگیری از کار کودک خواهند داشت.

۲-۳- شمول نیازهای شخصی و اجتماعی خانواده در کفایت شریعت

برخی از خانواده ها نسبت به نیازهای شأنی و اجتماعی خود حسّاسیت زیادی نشان می‌دهند و از این جهت، ممکن است که کودکان خود را برای ارضای آن نیازها به کار وادار کنند و چنانچه حاکم شرعی ملزم به ارضای نیاز تا کفایت باشد، در این صورت کودکان کمتر به کار گرفته می شوند و اگر ملزم به کمتر از آن باشد، کودکان بیشتری به کار گرفته می شوند و این، در حالی است که خطّ فقر به عنوان ضروریات شاطبی و غزالی به اندازه کفایت شریعت نبوده و فقط نیازهایی را تأمین می‌کنند که مرتبط با جان انسان باشد و بنابراین، نیازهای شأنی، آبرویی و اجتماعی نیز در آن مدنظر نمی‌باشد و بنابراین، نسبت به حد کفایت(که ممکن است همان حاجیات باشد) کمتر از کار کودکان جلوگیری می کند.

همین گونه می توان تحلیل کرد که خطّ فقر به عنوان نصاب زکات نیز، در خانواده های بزرگ و همچنین برخی از خطوط فقر مطلق و نسبی که به اندازه کفایت نمی باشند و همه نیازهای اجتماعی را پوشش نمی‌دهند، چنانچه مبنای رفع فقر قرار گیرند، عاملی برای کار کودکانی شده که خانواده های آنها در فکر تأمین همه نیازهای ضروری خانواده هستند و ممکن است کودکانشان را به کار وادارند.

البته نظریه فقر قابلیتی که خطوط فقر چندگانه را مطرح می کند، به این نیازها توجه دارد و نظریه کفایت نسبت به غیر از آن، از کار کودک بازدارنده تر است.

۳-۳- رعایت شأن افراد خانواده(کودک، سرپرست خانواده) در کار

بنابر متون فقهی و مطابق نظر اکثریت فقها، کاری که توانایی برای افراد و خانواده ها می‌آورد و بالقوّه آنها را تأمین کننده کفایت قلمداد می‌کند، کار مطابق شأن است. پزشک، کار مطابق شأنش پزشکی است، معلم کار مطابق شأنش معلمی است و همچنین انسان‌هایی که عادت به برخی کارها ندارند، شأن‌شان، آن کارها نیست.

از مبنای همین نظرات، به دست می آید که کودکی که در سنّ پایین و کمتر از سن بلوغ قرار دارد، یا در سن بلوغ است و لکن دارای رشد و تمیز کافی نمی باشد، یا دارای رشد فقهی بوده و لکن سنّش در جامعه همانند بقیه هم سن و سالان، اقتضای تحصیل دارد و تحصیل علم نیز مانع از کار او می‌باشد، یا اینکه سنّ و سالش اقتضای برخی کارها را ندارد، در این صورت، این افراد و

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

خانواده ای که در آن بوده و توانایی پرداخت هزینه های او را ندارند، فقیر محسوب شده و مخارج آنها بر عهده دولت است و بنابراین، با این تعهّد، از بسیاری از کارها برای کودکان جلوگیری می‌شود.

بنابراین، توجه به شأن کار در نظریه کفایت، باعث می شود که خط فقر خاصیت بازدارندگی بیشتری نسبت به کار کودک داشته باشد؛ زیرا در احکام آن دو خط فقر شرعی دیگر، توجهی به شأن کار نیست. البته در نظریه قابلیتی آمارتیاسن به قابلیت کودکان در کار توجه شده است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

منابع و مآخذ

قرآن مجید

ابو عبید، القاسم بن سلام (۱۳۹۵)کتاب الاموال: تحقیق محمد خلیل هراس؛ مکتبه الکلیات، الازهر و دارالفکر.

ابن قدّامهٔ المقدسی، محمد بن احمد (۱۴۰۴) الشرح الکبیر، ج ۲، بیروت: دارالکفر.

ایروانیان، امیر (۱۳۸۵) حمایت از اطفال در برابر بهره کشی های اقتصادی و جنسی؛ فصلنامه ندای صادق، شماره ۳۲.

باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۸) تبیین و محاسبه کفایت (مطالعه موردی استان قم)؛ رساله دکتری، به راهنمایی یداله دادگر، دانشگاه مفید.

باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۸) دیدگاه اسلام در مورد فقر کودکان؛ اولین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه مشهد.

باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۴) خطوط فقر متفاوت با شئون متفاوت؛ سمینار دوسالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرّس.

بلنشارد، فرانسیس (۱۳۷۵) حمایت از کودکان کارگر و لغو کار کودک؛ ترجمه جواد الله وردی زاده؛ پیام عدالت، شماره ۲.

بی نام(۱۳۷۲) کار غیر قانونی میلیونها کودک در جهان؛ کار و جامعه، شماره۲، خرداد ماه.

المطهر، الحسن بن یوسف (۱۴۱۴) التذکره؛ مؤسسه آل البیت لاحیاۀ التراث، ج۷.

الحلبی، أبو المجد؛ (۱۴۱۴) اشاره السبق؛ قم: موسسه النشر الاسلامیه التابعه لجماعه المدرسین.

الحلبی، ابن زهره (۱۴۱۷) غنیه النزوع: تحقیق الشیخ إبراهیم البهادری؛ قم: چاپخانه اعتماد، ناشر: مؤسسه الإمام الصادق (ع)، محرم الحرام، چ اول.

الحر العاملی (۱۴۱۴) وسائل الشیعه؛ قم : موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ج ۹ و ۱۵.

دادگر، یداله و باقری تودشکی (۱۳۸۶) مطالعه تطبیقی رویکرد های کفایت (شریعت)، رفاهگرایی، توانگری و قابلیّتی به فقر؛ مجلّه اقتصاد اسلامی (علمی و پژوهشی).

دادگر، یداله و مجتبی باقری تودشکی (۱۳۸۰) سطح مصرف در اسلام؛ نامه مفید، سال هفتم، پائیز.

راوالیون، مارتین(بی تا) مقایسه فقر؛ ترجمه رضا اشرف زاده؛ تهران: وزارت جهاد سازندگی.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱) توسعه به مثابه آزادی؛ ترجمه وحید محمودی؛ تهران: انتشارات دستان.

السید المرتضی (بی تا) الانتصار؛ جوامع الفقهیه.

الشهید الاوّل (۱۳۲۲)، البیان؛ قم: مجمع الذخایر الاسلامیه.

الشاطبی، ابواسحاق (ابراهیم بن موسی اللخمی الغرناطی) (بی تا) الموافقات فی اصول الاحکام:

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

تحقیق محمد محی الدین عبد الحمید؛ مکتبه و مطبعه محمد صبیح و اولاده، الازهر.
الشافعی، حسن (۱۹۸۴) تعلیق علی الحاجات الاساسیه و توفیرها فی الدوله الاسلامیه، مجله الحاجات الاقتصاد الاسلامی، ج۱.
صدر، محمّد باقر، (۱۳۵۷) اقتصادما؛ ترجمه عبدالعلی اسپهبدی؛ انتشارات اسلام، چاپ دوّم، ج۲.
الطباطبایی، محمد کاظم (۱۴۰۹) العروه الوثقی، بیروت : موسسه الاعلمی.
الطوسی، محمّد بن الحسن (بی تا) الخلاف: ۳جلدی؛ چاپ ایران، ج۲.
عابدین (۱۹۸۴) الحاجات الاساسیه و توفیرها فی الدوله الاسلامیه؛ مجله الحاجات الاقتصاد الاسلامی، م ۱: ۲۴ و ۷۱-۴۳.
العاملی، زین الدین علی (۱۴۱۴) مسالک الافهام: ۱۵جلدی؛ انتشارات موسّسه معارف اسلامی.
العاملی، زین الدین علی (۱۳۶۵) کتاب الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه؛ قم: مکتبه الاعلام.
العاملی، محمّدبن الحسن (۱۳۱۶) وسایل الشیعه؛ چاپ موسسه آل بیت.
فیض الکاشانی، محسن (بی تا) المحجه البیضاء؛ دفتر انتشارات اسلامی، ج۳.
فقیه الهمدانی، حاج آقا رضا(۱۳۶۴) مصباح الفقیه؛ قم: مکتبه المصطفوی.
کن،کنز و ریچارد سیلبورن (بی تا) اندازه گیری فقه در انگلستان؛ ترجمه مینا سهرابی؛
الکرکی، علی بن الحسن (۱۴۱۱) جامع المقاصد، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث؛ ج۵.
محمّد بن ملکی، شمس الدّین (۱۴۱۲) الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه؛ قم: موسسه النشر الاسلامیه.
محمّدی الرّی شهری، محمد(۱۳۶۲) میزان الحکمه؛ قم : مرکز النشر الاسلامی، ج۱، ۴،۱۰، ۳ و ۱۱.
مروارید، علی اصغر(۱۳۷۶) الجوامع الفقهیه(الانتصار للسید المرتضی)؛ تهران: انتشارات جهان.
المطهّر، الحسن بن یوسف (بی تا) التذکره: دوجلدی؛ چاپ المکتب المرتضویه، ج۱.
المطهّر، الحسن بن یوسف (۱۴۲۰) ارشاد الأذهان؛ قم: جامعه المدرسّین، ج ۱.
المفید، محمّد بن محمّد بن نعمان (بی تا) المقنعه فی الاصول و الفروع؛ قم: مکتبه الداوری.
المنتظری، حسینعلی (۱۴۰۸) دراسات فی ولایه الفقیه وفقه الدوله الإسلامیه، مکتب الإعلام الإسلامی، قم: المرکز العالمی للدراسات الإسلامیۀ.
المنتظری، حسینعلی (۱۴۱۲) کتاب الزکاه؛ قم: انتشارات دارالفکر، ج۲.
النجفی، محمّد حسن (۱۳۹۲) جواهر الکلام؛ تهران: المکتبه الاسلامیه.
النراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۵) مستند الشیعه: ج۱۱؛ مشهد: مؤسسه آل البیت.
النراقی، احمد (۱۳۲۵) مستند الشیعه؛ تهران: منشورات المرتضویه.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]

Alhabashi, Syed Othman(2009) Poverty Eradication from Islamic Perspectives, www.islamic-relief.com,page3

Slamic Relief, Secours Islamiqe(2008) Definitions of Poverty Islamic Relief: 2-20: www.google.com.

Fusco, Alessio (2003) On the Definition and Measurement of Poverty: The Contribution of Multidimensional Analysis; Paper prepared for 3rd Conference on the capability Approach, 7-8 September, University of Pavia: 6.

Nothan Wolf, Edward(1997) Economics of poverty, Inequality and Discrimination; Ohio: South- Western College Publishing Internotional, Thomson Publishing Cincinat, 94.

Peerzade, Sayed Afzal(2009) The Definition and Measurement of Poverty: An Integrated Islamic Approach; India, Center for Islamic Studies, Jamia Hazrat Hashipeer Bijapur:88.

Report on Inception Phase Urban Poverty and Livelihoods, Annex B, DFID Research project R7963, Localizing the Habitat Agenda for Urban Poverty Reduction, March2002. page 10

Sen, Amartya(1984) The Living Standard; Oxford Economic Papers, New Series, Vol. 36, Supplement: Economic Theory and Hicksian Themes: pp. 74-90.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1392.13.1.5.7]